| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹ | تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۰۱/۱۹ |

تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی

محمدجواد توکلی*

دانشیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، ایران.

tavakoli@iki.ac.ir

چکیده

نظریه‌های توسعه به‌طور معمول ارزش خنثی، فنی، تحلیلی و علمی قلمداد می‌شوند. در این مقاله به بررسی چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌پردازیم. بنا به فرضیهٔ مقاله که به روش تحلیلی بررسی شده، ارزش‌ها در قالب تحلیل ارزشی و ارزش‌داوری وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت شده و موجب تمایز آن‌ها می‌شوند. تحلیل ارزشی عمدتاً حاکی از ارزیابی نقش ارزش‌ها در مسیر دستیابی به توسعه و پیشرفت است. در مقابل، ارزش‌داوری حاکی از قضاوت ارزشی نظریه‌پردازان به دو صورت ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی (ارزش‌داوری آرمانی و سیاستی) است. ارزش‌داوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری ارزشی محقق اقتصاد توسعه و پیشرفت در تدوین نظریه است. مهم‌ترین بخش ارزش‌داوری اخلاقی در اقتصاد توسعه و پیشرفت، ارزش‌داوری آرمانی شامل تعریف توسعه، تعیین و تعریف اهداف آن، رتبه‌بندی اهداف، تدوین شاخص‌های آن و همچنین تعیین استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در قالب فروضی همچون عقلانیت اقتصادی است. ارزش‌داوری سیاستی نیز حاکی از توصیه به اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای برای دستیابی به توسعه و پیشرفت است. هرچند ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان فرض وارد نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌شود، در ادامه مورد قضاوت ارزشی قرار گرفته و مبنای توصیهٔ ارزشی اقتصاددانان قرار می‌گیرد. بر اساس چهارچوب تحلیلی ارائه‌شده، تمایز میان

* https://orcid.org/0000-0002-8184-8163

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی را می‌توان از منظر ارزش‌های معرفتی و اخلاقی اثرگذار بر آن در حوزهٔ آرمان‌ها، رفتارها، ساختارها و سیاست‌ها ارزیابی کرد. تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت باعث تغییر در اولویت‌های پژوهشی، واقع‌نمایی نظریه‌ها، شاخص‌ها، سیاست‌های و برنامه‌های توسعه و پیشرفت خواهد شد.
کلیدواژه‌ها: توسعهٔ اقتصادی، پیشرفت اقتصادی، ارزش‌باری، اقتصاد توسعه، اقتصاد پیشرفت.

مقدمه

یکی از مباحث مهم در زمینهٔ نظریه‌های توسعه، چگونگی اثرپذیری آن‌ها از ارزش است. اقتصاددانان توسعه به‌طور معمول تلاش کردند تا برای علمی جلوه دادن نظریه‌های خود آن را ارزش‌خنثی (value free) بدانند. میردال[1] یکی از نظریه‌پردازان برجستهٔ اقتصاد توسعه است که در اوایل دورهٔ علمی خود، تلاش زیادی برای خالی کردن نظریه‌های اقتصاد توسعه از ارزش کرد، در دورهٔ دوم علمی خود، به نافرجام بودن این تلاش اذعان کرد و در نهایت به اقتصاددانان توسعه توصیه نمود که ارزش‌های خود در نظریه را تصریح کنند.

هرچند در ادبیات اقتصاد توسعه به ابعادی از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه پرداخته شده، ابعاد موضوع به‌روشنی تبیین نشده است. در این زمینه سؤالات زیادی مطرح است. گذشته از ابهام دربارهٔ دامنهٔ ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت، این سؤال مطرح است که ارزش به چه مفهومی و از چه کانال‌هایی وارد این نظریه‌ها می‌شود. آیا رابطه‌ای بین ارزش‌های اقتصادی و اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت وجود دارد؟ چه تفاوتی بین ارزش‌باری نظریه‌های اقتصاد توسعه در اقتصاد متعارف و اسلامی وجود دارد؟ آیا تمایز در ارزش‌ها می‌تواند باعث تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی می‌شود؟

برای تجزیه و تحلیل چگونگی ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت اقتصادی، با استفاده از روشی تحلیلی پس از بررسی پیشینهٔ تحقیق، ابتدا به بررسی رابطهٔ نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش می‌پردازیم. در ادامه به مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و سپس سنخ‌شناسی ورود ارزش در این نظریه‌ها می‌پردازیم. در ادامهٔ بحث به تبیین دو زمینهٔ تحلیل ارزشی، و ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌پردازیم. ترسیم مراحل

1. Myrdal.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

ارزش‌داوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت و در نهایت توجه به تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکردهای آن پایان‌بخش مقاله است.

۱. پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی تحقیقات پردامنه‌ای صورت نگرفته است. در ادامه به برخی آثار در این زمینه و از جمله آثار در مورد ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی اشاره می‌شود:

توکلی در مقالهٔ «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی» علاوه بر تحلیل مفهوم ارزش و تمایز بین ارزش اقتصادی، معرفتی و اخلاقی، به بررسی رابطهٔ ارزش‌ها و فروض، ساختارها و سیاست‌ها می‌پردازد. در این مقاله بین ارزش‌های آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی تفکیک شده است (توکلی، ۱۴۰۰ب).

توکلی و رفیعی پیشوری ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را از مسیر تعیین اهداف، ساختارها و معیارهای رفتاری و سیاست‌های دانسته‌اند (توکلی و رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹، ص۱۳ـ۲۱).

زرقا انتخاب پیش‌فرض‌ها، موضوع، متغیرها، روش، معیار تأیید و آزمون را مسیرهای ورود ارزش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی می‌داند. وی برای این مسیرها مصادیقی چون عدم پذیرش فرض کمیابی در اقتصاد اسلامی، توجه به انگیزه‌های اخلاقی و معنوی انسان اقتصادی و برجسته کردن رفتارهای نوع‌دوستانه معرفی می‌کند (زرقا، ۱۳۸۲، ص۱۱۶ـ۱۱۹).

یوسفی ارتباط ارزش‌ها با علم اقتصاد را با تفکیک مرحلهٔ گردآوری پدیده و سوژهٔ مورد مطالعه و مرحلهٔ قضاوت و داوری دربارهٔ مدل تبیین می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۵).

سبحانی ضمن توجه به تأثیر ارزش‌ها در ایجاد واقعیات عینی، امکان بررسی علمی واقعیت مستقل از ارزش‌ها را می‌پذیرد. به‌نظر ایشان علم اقتصاد در هیئت فعلی، نتیجهٔ ارزش‌های نهفته در واقعیات اجتماعاتی خاص با جهان‌بینی خاص است (سبحانی، ۱۳۷۰، ص۵۷).

زریباف علم اقتصاد متعارف را به‌خاطر حذف جایگاه ارزش‌ها در روش‌شناسی خود مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی قضاوت ارزشی در اقتصاد را گریزناپذیر می‌داند (زریباف، ۱۳۸۷، ص۵۹).

مک‌لاپ ورود ارزش‌ها در اقتصاد را از کانال ارزش‌داوری عاملان اقتصادی، اقتصاددانان و متقاضیان تحلیل اقتصادی ترسیم می‌کند (مک‌لاپ، ۱۳۸۱).

نوآوری این مقاله در مقایسه با آثار پیشین در تفکیک بین انواع ارزش‌داوری در نظریه‌های

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

اقتصاد توسعه و پیشرفت و تبیین چگونگی ورود ارزش‌ها در این نظریه‌هاست. از دستاوردهای این تفکیک طرح ایدهٔ تمایز نظریه‌های اقتصاد توسعه و اقتصاد پیشرفت بر اساس تمایز در ورود ارزش‌هاست.

۲. رابطهٔ نظریه‌های اقتصاد توسعه و ارزش

میردال در اوایل زندگی علمی خود تلاش زیادی کرد تا نظریه‌های اقتصاد توسعه را از ارزش‌ها خالی کند، ولی وی در نیمهٔ دوم زندگی علمی خود به غیرممکن بودن این تلاش پی برد. او در نهایت توصیه کرد اقتصاددانان پیش‌فرض‌های نظری و ارزشی خود را به‌صراحت بیان کنند و تلاش کنند دچار سوگیری نامربوط نشوند. وی رویکرد قدیمی خود را تجربه‌گرایی خام[1] می‌نامد (دایکما، ۱۳۹۲، ص۴۱۹).

میردال معتقد است درک واقعیات مسبوق به داشتن دیدگاهی نظری (نظریه‌باری) و همراه با ارزش‌داوری (ارزش‌باری) است. از نظر او، ارزش‌گذاری‌ها از آغاز تا پایان در نظریه رسوخ می‌کنند. ارزش‌گذاری‌ها در تعیین رویکرد تحقیق، تعریف مفاهیم، چگونگی مشاهده و نحوهٔ ارائهٔ نتایج مؤثرند (Myrdal, 1972: P.162). وی در تحلیل ارزش‌باری نظریه‌های توسعه می‌نویسد: «در بسیاری از تحقیقات اقتصادی کشورهای فقیر از زاویهٔ دید منافع نظامی و سیاسی غرب و یا پوشش حفاظت در مقابل کمونیسم نگریسته شده است» (Idem, 1968: P.13). وی این نحوهٔ نگاه به کشورهای فقیر را مطلوب نمی‌داند. کشورهای فقیر مایل‌اند به مسائلشان از دریچهٔ منابع و ارزش‌گذاری‌های خودشان نگریسته شود. به‌نظر او، محقق توسعه باید در برخورد با ارزش‌ها روند زیر را دنبال کند:

- ارزش‌گذاری‌ها را تا سرحد آگاهی تعالی دهد (ارزش‌های پنهان منشأ انحراف و تورش است)؛
- ارزش‌گذاری‌ها را از نظر موضوعیت، اهمیت و عملی بودن بررسی کند؛
- ارزش‌گذاری‌ها را به قضایای ارزشی مشخص برای تحقیق تبدیل کند؛
- در چهارچوب قضایای ارزشی، رویکرد و مفاهیم را تعریف کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص۴۲۴ـ۴۲۵).

هرچند میردال با این توصیه‌ها سعی در افزایش خودآگاهی محققان دربارهٔ ارزش‌های مورد پذیرش در نظریه و پرهیز از تورش دارد، خود دچار تورش می‌شود. به‌اعتقاد او، در برنامه‌ریزی توسعه باید ارزش‌های بومی ملاک قرار گیرد؛ با وجود این، وی استفاده از ارزش‌های مدرن نخبگان

1. Naïve Empiricism.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

را توصیــه می‌کند (Myrdal, 1968: P.54). او می‌پذیرد که ارزش‌های مدرن رنگ و بوی غربی دارند، ولی معتقد اســت که این ارزش‌ها اکنون به اعتقاد رســمی مردم جنوب آســیا بدل شده‌اند (Dykema, 1986: P.147-163).

دایکمــا (۱۹۸۶) ضمن نقد رویکرد میردال معتقد اســت که وی کاملاً شــیفتهٔ میراث عصر روشنگری شــده اســت. به‌نظر او، میردال این نکته را توضیح نمی‌دهد که چرا ارزش‌های برتر در جامعهٔ غرب به‌صورت اتفاقی به ارزش‌های آرمانی جنوب آســیا بدل شده است؟ آیا این امر بدین دلیل نیســت که تحصیل‌کرده‌های جنوب آسیا از غرب تغذیهٔ فکری می‌شوند؟ میردال دلیلی بر این ادعا نمی‌آورد که مشــروعیت این ارزش‌ها در ارتباط با ویژگی‌های بومی کشــورهای جنوب آسیا حاصل شده باشند (دایکما، ۱۳۹۲، ص۴۲۸).

میــردال در تحلیــل خود، با نوعی پارادوکــس در زمینهٔ پذیرش ارزش‌های بومی از یک‌ســو و ضروری دانســتن ارزش‌های نوگرایی ازســوی‌دیگر مواجه می‌شــود؛ وی می‌گوید: اگر مخالفت ارزش‌های سنتی با آرمان‌های نوگرایی مانع توسعه است و باید از سر راه برداشته شود (همان). وی به‌رغم در نظر گرفتن خاســتگاه عاطفی برای ارزش‌ها و عدم امکان ارزیابی آن‌ها در علم، سه دلیل بر برتری ارزش‌های مدرنیزاسیون بر ارزش‌های سنتی ارائه می‌کند:

- ارزش‌های سنتی ماهیتی ایستا داشته، باعث تحول نمی‌شوند و ناگزیر به رکود می‌انجامند؛
- آرمان‌های مدرنیزاســیون ماهیتی پویا و پیشــرو داشــته و این ویژگی برای توســعهٔ اقتصادی ضروری است؛
- زمانی که ارزش‌های سنتی را قدری به سطوح ارزش‌های برتر ارتقا دهیم، غالباً تفاوت و تضاد چندانی با ارزش‌های نوگرایی ندارند (همان، ص۴۲۹).

هرچند اســتدلال اخیر، میردال را قادر می‌کند که به ارزش‌های سنتی وفادار بماند، بسیاری از ارزش‌های عامیانهٔ موجود را رد و زمینه‌ساز رکود می‌داند (همان). میردال ارزش‌های اقلیت نخبگان و طبقات بالای اجتماعی را زمینه‌ســاز توســعه می‌داند (Myrdal, 1970: P.417). او تحمیل ارزش‌هــای گروه اقلیت نخبگان بر اکثریت را با توجه پذیرش رویکرد پدرســالارانه در دولت رفاه مطرح می‌کند (دایکما، ۱۳۹۲، ص۴۳۰). از نظر میردال، انسان برتر (ناجی) نهادها را می‌سازد و نهادها به انسان شکل می‌دهند. انسان عادی متأثر از محیط است، درحالی‌که انسان ناجی غالب بر محیط و سازندهٔ آن است. انسان برتر ملهم و متأثر از آرمان‌های روشنگری و اصول علمی اجتماعی است و به همین دلیل می‌تواند ناجی باشد (همان، ص۴۳۱).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

دنیس گولت[1] با رد رویکرد ارزشـــی میردال، حق مردم عادی نسبت‌به هویت فرهنگی، تعریف توســعه و چگونگی کنترل فرایند توســعه را می‌پذیرد. از نظر او، میــردال از دولت‌ها می‌خواهد که اقدامات سختی برای ایجاد انسجام عاطفی[2] مردم یعنی هماهنگ کردن ارزش‌هایشان با آرمان‌های نوگرایی را اتخاذ کنند. به‌نظر گولت، ارزش‌های ســنتی عقلایی بوده و نیازی به تغییر آن‌ها نیســت (همان، ص۴۳۱ـ۴۳۲). وی برخلاف میردال معتقد است توسعه باید ابزاری برای عینیت بخشیدن به توانمندی‌های بشر یا تعالی بشر[3] و نه ابزاری برای تغییر ارزش‌های آن‌ها باشد (Goulet, 1981: P.5). از نظر گولت برای دستیابی به توسعه باید اشکال مختلف عقلانیت غیرمدرن محترم شمرده شــود. در مقابل، میردال تنها ارزش‌های مدرنیزاسیون را باعث توسعه می‌داند (Myrdal, 1965: P.894).

۳. مفهوم‌شناسی ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

واژهٔ ارزش (معادل value در انگلیســی و معادل «القیمة» در عربــی) به مفهوم بها، قیمت، قدر، منزلــت و خوب اخلاقی به کار رفته اســت. ارزش که در مفهوم عامــش حاکی از امور مطلوب و پســندیده است، می‌تواند گسترهٔ وسیعی از ســلایق، ترجیحات، خصلت‌ها و گرایش‌های فردی یا هنجارهای اجتماعی را شامل شود.

اقتصاددانان عمدتاً از ارزش‌های مصرفی و مبادله‌ای سخن می‌گویند. با وجود این، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و برابری هم مورد توجه اقتصاددانان قرار دارد. آن‌ها به‌صورت ضمنی و در قالب مباحث روش‌شناسی اقتصاد درگیر بحث از ارزش معرفتی نیز می‌شوند. هرچند مطلوبیت یا پسندیدگی عنصر مشترک در کاربردهای متفاوت ارزش است، عناصر دیگری نیز در آن دخیل است. در ارزش مصرفی، توان یک چیز بــرای برطرف‌کردن نیاز نیز موضوعیت دارد. در ارزش مبادله‌ای، کمیابــی نیــز از مقومات ارزش اســت. در ارزش اخلاقی نیز علاوه بــر مطلوبیت عناصر دیگری همچون شایستگی طلب و خردمندانه‌بودن نیز دخیل است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص۱۱۳).

هنگامی که از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توســعه و پیشرفت سخن می‌گوییم، دغدغهٔ اصلــی اقتصاددانان ارزش مصرفی و مبادله‌ای نیســت، بلکه توجه عمده به ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی است که در ادامه تبیین خواهد شد.

1. Dennis Goulet.
2. Emotional integration.
3. Human ascent.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

۴. سنخ‌شناسی ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

مـــک‌لاپ در مقالهٔ تحلیلی خود، ورود ارزش‌ها در اقتصاد را در قالـــب دوازده مورد تبیین می‌کند (جدول ۱). موارد دوازده‌گانهٔ مورد اشاره مک‌لاپ را می‌توان در سه دستهٔ زیر جای داد:

جدول ۱. چگونگی ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از نگاه مک‌لاپ

۱. در مدل‌های اقتصادی فرض می‌شـــود تصمیم‌گیرندگان خود اقتصـــادی (خانوارها و مدیران شرکت‌ها) از ویژگی‌های ارزشی خاصی از جهت سلیقه، ترجیحات، مطلوبیت‌ها و چگونگی واکنش به تغییر در فرصت‌ها بهره‌منداند.

۲. رفتار افراد به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان خرد سیاســـی (چه فـــردی، چه گروهی)، تابع ارزش‌های خاصی می‌باشد.

۳. رفتار گروه‌های اجتماعی (مبلغان، مدیران مدارس، احزاب، ...) تابع ارزش‌های خاصی است.

۴. هنجارهای قانونی و اخلاقی ارزش‌هایی می‌باشند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند.

۵. رفتار دولت (مسئولان اجرایی و قانون‌گذاران) تحت تأثیر ارزش‌های خاص خود است.

۶. ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی بر تحلیل‌ها و سیاســـت‌های پیشنهادی اقتصاددانان مؤثر است.

۷. اقتصاددانان در ترسیم تابع رفاه اجتماعی که مبنای سیاست‌گذاری است، ارزش‌های سمبلیک ملت، جامعه جهانی و یا جوامع محلی را مفروض می‌گیرند.

۸. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب موضوع تحقیق، مسائل مورد تحلیل و فضیه‌های مورد آزمون مؤثراند.

۹. ارزش‌هـــای اقتصاددانـــان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب تکنیک‌هـــا و روش‌های تحلیل، چگونگی وزن‌دهی به شواهد مؤثر است.

۱۰. ارزش‌هـــای اقتصاددانان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخـــاب اصطلاحات، پذیرش داده‌های آماری و اندازه‌گیری شاخص‌ها (مانند محاسبه شاخص تولید ملی بر حسب قیمت بازاری با مفروض گرفتن توزیع درآمد) مؤثر است.

۱۱. ارزش‌هـــای اقتصاددانان به‌عنوان مشـــاور در جایگزینی قضاوت‌های ارزشـــی خود به جای ارزش‌های واقعی جامعه مؤثر است.

۱۲. ارزش‌های اقتصاددانان به‌عنوان یک مشاور، در استفاده وی از داده‌های نامناسب یا ساختگی، کاربرد روش‌های محاسباتی ناقص، و دادن شواهد غلط مؤثر است.

الـــف) ورود ارزش‌ها در تحلیـــل اقتصادی به‌واســـطهٔ تأثیر ارزش‌ها(ی فـــردی و اجتماعی: هنجارها) بر رفتار تصمیم‌گیرندگان اقتصادی (موارد ۱ تا ۴)؛

ب) ورود ارزش‌هـــا در تحلیل اقتصادی از کانال ارزش‌هـــای مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

اقتصادی (مورد ۵)؛

ج) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از طریق ارزش‌های مورد قبول خود اقتصاددانان به‌عنوان تحلیلگر یا اقناع‌کننده (موارد ۶ تا ۱۲) (م‌کلاپ، ۱۳۸۱، ص۱۶۹ـ۱۷۱).

با توجه به دو دستهٔ ب و ج، ارزش‌های سه گروه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی، مشتریان اقتصاددانان و خود اقتصاددانان بر نظریات اقتصادی اثر می‌گذارند.

تحلیل مک‌لاپ را می‌توان به‌شـــکلی سازمان‌یافته‌تر و با تفکیک میان مبانی ارزشی ـ ارزش‌ها، تحلیل ارزشـــی ـ ارزش‌داوری، ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی و ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری بسط داد.

۱ـ۴. مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها

مبانی ارزشی اقتصاد توسعه و پیشرفت حاکی از رویکرد آن دربارهٔ مقولاتی همچون هستی‌شناسی ارزش و مکاتب ارزشـــی است. پذیرش ناواقع‌گرایی در هستی‌شناسی ارزش می‌تواند گاه زمینه‌ساز پذیرش پلورالیســـم ارزشی یا نســـبیت‌گرایی ارزشی و گاه باعث ســـوگیری ارزشی همانند ترجیح ارزش‌های نوسازی بر ارزش‌های بومی (Myrdal, 1968: P.54) و توصیه به درونی‌سازی آن‌ها باشد (Dykema, 1986: P.147-163).

پذیرش مکاتب مختلف ارزشـــی نیز می‌تواند بر نظریه‌های توســـعه و پیشرفت به‌خصوص در رتبه‌بندی اهداف اثرگذار باشـــد. برای نمونه، رویکردهای مطلوبیت‌گرا مستلزم آن هستند که هنگام رتبه‌بندی اهداف توســـعه، مطلوبیت کل را در نظر بگیریم. در مقابـــل، با پذیرش مکاتب حق‌گرا، نمی‌توان در فرایند توسعه و پیشرفت، منافع یک گروه را فدای منافع اکثریت جامعه کرد.

۲ـ۴. تحلیل ارزشی در برابر ارزش‌داوری

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت می‌تواند شکل ارزش‌داوری یا تحلیل ارزشی داشته باشد. در تحلیل ارزشی، ارزش به‌عنوان متغیر تحلیلی وارد نظریه می‌شود، ولی ارزش‌داوری حاکی از قضاوت ارزشی است. برای نمونه، یک اقتصاددان توسعه ممکن است صرفه‌جویی را مطلوب بداند (قضاوت ارزشی) و این دیدگاه را با تأثیر مثبت آن بر رشد عادلانه مستدل کند (تحلیل ارزشی).

۳ـ۴. ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری

اقتصاددانان توسعه و پیشرفت ممکن است درگیر ارزش‌داوری ابزاری یا غیرابزاری شوند. هنگامی‌که

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

اقتصاددانی از پرداخت یارانه طرفداری می‌کند، ارزشـــمندی یارانه، نه به‌خاطر خود، بلکه به‌خاطر آن اســـت که ابزاری برای رسیدن به ارزش عدالت اســـت. البته قضاوت در مورد ارزشمندی یارانه فقط به تأثیر آن بر تحقق هدف وابسته نیست، بلکه ممکن است خود ابزار نیز مورد قضاوت ارزشی قرار گیرد. برای نمونه، اگر بپذیریم هدف وســـیله را توجیه نمی‌کند، نظریه‌پرداز توسعه ممکن است یک روش دستیابی به توسعه را با توجه به عوارض جانبی‌اش (مانند تخریب محیط‌زیست یا فرهنگ بومی) رد کند. با توجه به وجود روش‌های مختلف برای دستیابی به یک هدف یا مجموعهٔ اهداف، انتخاب یک شـــیوه و بی‌توجهی به ســـایر گزینه‌های ممکن نوعی ارزش‌داوری اســـت (مانند غلبه توصیه به سیاست‌های قیمتی، نه اصلاح ساختاری).

۴ـ۴. ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی

ارزش‌داوری در نظریه‌پردازی اقتصاد توســـعه و پیشـــرفت قابل تفکیک بـــه ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی اســـت. این دو به‌ترتیب حاکی از اثرپذیری نظریه از ارزش‌های معرفتی و اخلاقی اســـت. مراد از ارزش‌داوری معرفتی، ارزش‌داوری در مورد معرفت مورد قبول اســـت که بر تعیین موضوع و روش مطالعهٔ علمی اثرگذار است. ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند به‌واسطهٔ ارزش‌های مورد پذیرش اقتصاددانان یا قضاوت ارزشـــی ســـفارش‌دهندگان تحلیل اقتصادی باشـــد. ارزش‌داوری اخلاقی در نظریهٔ توســـعهٔ اقتصادی نیـــز حاکی از قضاوت در مورد خوب و بـــد رفتارها (مانند عقلانیت)، موقعیت‌ها (مانند تعادل)، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه است. ارزش‌داوری اخلاقی شـــامل ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی (اهداف و شـــاخص‌های توســـعه و پیشرفت)، ارزش‌داوری آرمانی رفتاری (اســـتاندارد رفتاری مطلوب)، ارزش‌داوری سیاســـتی ســـاختاری (ســـاختارهای اقتصادی مطلوب) و ارزش‌داوری سیاستی برنامه‌ای (برنامه‌های توسعه و پیشرفت) می‌شود.

جدول ۲. انواع ارزش‌داوری در اقتصاد توسعه و پیشرفت

نوع ارزش داوری			محورهای ارزش داوری	سوال ارزش‌محور
معرفتی			ملاک معرفت معتبر	چه نظریه توسعه‌ای قابل قبول است؟
اخلاقی	آرمانی	وضعیتی	اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌بندی	چه هدفی باید دنبال شود؟
		رفتاری	استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	چه استاندارد رفتاری مطلوب است؟
	سیاستی	ساختاری	ساختارهای اقتصادی مطلوب در فرایند توسعه	چه ساختاری را برای تحقق اهداف ایجاد کنیم؟
		برنامه‌ای	توصیه برنامه برای دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت	چه برنامه‌ای برای تحقق اهداف دنبال کنیم؟

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

۵. تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

تحلیل ارزشـــی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشـــرفت هنگامی رخ می‌دهد که ارزش بخشی از تحلیل توصیفی یا علّی قرار می‌گیرد. در ادامه نمونه‌هایی از آن ارائه می‌شود:

ـ گسترش عدالت به رشد اقتصادی کمک می‌کند.

ـ گسترش معنویت باعث تقویت رشد و عدالت اقتصادی می‌شود.

ـ هنجارهای اجتماعی می‌توانند دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی را تسهیل کنند.

در نمونه‌های بالا، بین دو ارزش عدالت و رشد اقتصادی و همچنین بین سه ارزش معنویت، رشد و عدالت اقتصادی ارتباط برقرار شده است. قضاوت صورت گرفته از نوع قضاوت ارزشی یا ارزش‌داوری نیست، بلکه از ســـنخ تحلیل ارزشی است. این بدان معناست که نظریه‌پرداز نمی‌گوید که عدالت خوب اســـت، یا رشد اقتصادی خوب اســـت، بلکه می‌گوید بین این دو ارزش ارتباط وجود دارد؛ اگر شما برای تحقق عدالت تلاش کنید، اقدامات شما بر تحقق رشد اقتصادی نیز اثر مثبت دارد.

گزارهٔ ســـوم پیشـــنهادی، حاکی از رابطهٔ بین هنجارهای اجتماعی و توســـعه و پیشرفت است. نهادگرایـــان تأثیر ارزش‌ها بر توســـعه را در قالب کارکـــرد فرهنگ و هنجارها مطـــرح کرده‌اند. در تحلیل چهارمرحله‌ای ویلیامســـون، هنجارهای فرهنگی به‌عنوان بالاترین ســـطح نهادی بر رفتارها و عملکرد اقتصـــادی اثرگذار اســـت (Williamson, 2000). داگلاس نـــورث، اثر هنجارها را در قالب قواعد غیررســـمی حاکم بر رفتار در کنار قواعد رســـمی (قانـــون) ارزیابی می‌کند. از نظر نورث، هنجارهای اخلاقی به‌عنوان محدودیت‌های غیررســـمی «از جمله شرایط لازم (و نه کافی) برای عملکرد اقتصادی مناسب می‌باشـــند. جوامعی که در آن هنجارهای سازگار با رشد اقتصادی وجود دارد می‌تواند در مواردی باعث توسعه شود حتی زمانی که قواعد سیاسی ناپایدار و معکوسی حاکم باشد. مسئلهٔ اساسی این است که قدرت اثربخشی معکوس قواعد سیاسی چه میزان است» (North, 1993: P.7-8). ســـاموئل هانتینگتون[1] تفاوت غنا و کرهٔ جنوبی در توسعهٔ بین سه دههٔ ۱۹۶۰ـ۱۹۹۰م را به تفاوت فرهنگی نسبت می‌دهد: «کرهٔ جنوبی ارزش زیادی برای صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری، کار سخت، آموزش، سازمان‌ها و نظم قائل شد. ارزش‌های غنا کاملاً متفاوت بود» (هانتینگتـــون، ۱۳۸۳، ص۲۷ـ۲۸). اقتصاددانانی همچون آمارتیا ســـن، با رد جبرگرایی فرهنگی، در کنار توجه به تفاوت در نظام آموزشی به وضعیت جغرافیایی نیز توجه می‌کنند (سن، ۱۳۷۸).

هنجارهای اجتماعی می‌توانند از کانال گســـترش همکاری اجتماعی و خیرخواهی پیشـــرفت اقتصادی را تســـهیل کنند (Bicchieri, 2005; Eriksson, 2015) و از بروز مشکلاتی همچون

1. Samuel P. Huntington.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

سـواری مجانی در تراژدی ذخایر مشـترک جلوگیری کنند (توکلی، ۱۳۹۷). سادجن، الیکسون و اسرام به تحلیل عوامل شکل‌گیری هنجار همکاری پرداخته‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۳، ص۲۱۹ـ۲۲۳). همچنین کاشـوئیک باسـو در تجزیه و تحلیل توصیه‌های اقتصاددانان توسعه به مقولهٔ اخلاقیات مشـروط در تعاملات کشورها در اموری همچون مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی توجه می‌کند (باسو، ۱۳۸۲، ص۱۰۲ـ۱۰۶).

۶. ارزش‌داوری معرفتی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت

ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند بر تصمیم بر انجـام تحقیق، انتخاب موضوع تحقیق، روش تحقیق و کاربرد پژوهـش و حتی محتوای نظریه تأثیرگذار باشـند (Stenmark, 2005a & 2005b). منظور از ارزش‌های معرفتی، ارزش‌هایی همچون دقت در پیش‌بینی، دامنه، وحدت‌بخشی، قدرت تبیینی، سـادگی و همبستگی یک نظریه با سـایر نظریه‌های علمی است که به صدق نظریه مربوط می‌شود (یغمائی، ۱۳۹۴). برای نمونه، پژوهشگر به‌واسطهٔ غلبهٔ فرمالیسم و ریاضی‌زدگی، استفاده از مدل و روش‌های اقتصادسنجی را در نظریهٔ خود ضروری می‌پندارد؛ امری که حتی ممکن است از توان واقع‌نمایی آن بکاهد. همچنین برای محقق اقتصاد پیشرفت، ارزیابی اثر اخلاق و معنویت بر پیشرفت اقتصادی اهمیت دارد؛ امری که در مطالعات اقتصاد توسعه حاشیه‌ای است.

مغالطه‌های معرفت‌شـناختی می‌تواند باعث شود که نظریه‌پرداز به همهٔ عوامل مؤثر بر توسعه و پیشـرفت توجه نکند. در این زمینه، مغالطهٔ «توسـعه فقط یک علت دارد»، باعث شده است که برخی تنها توسـعه را به انباشـت سرمایهٔ مادی نسـبت دهند، گروهی بر اهمیت سرمایهٔ انسانی و اجتماعی تأکید کنند؛ برخی فرهنگ را برجسته کنند و گروهی نیز در مورد نقش دولت اغراق کنند (آدلمن، ۱۳۸۲، ص۱۳۶ـ۱۴۹). نگاه مکانیکی به توسعه و تلقی الگوی توسعه به‌مثابهٔ یک فناوری نیز باعث شده است که الگوی توسعه نوعی فناوری عاری از ارزش‌داوری تلقی شود (پایا، ۱۳۸۸، ۴۱ـ۴۲). این در حالی است که تلقی الگوی توسعه به‌مثابهٔ نقشهٔ راه پیشرفت، باعث توجه به ابعاد ارزشی آن می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲).

۷. ارزش‌داوری اخلاقی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

در نظریه‌های توسـعه و پیشـرفت، ارزش‌داوری اخلاقی از کانال تعریف ارزش‌ها، سنخ‌شناسـی ارزش‌ها، رتبه‌بندی ارزش‌ها و تعیین ارزش‌های غایی و ابزاری بر برخی ابعاد نظریهٔ توسعه از جمله شاخص‌ها و سیاست‌های توسعه اثر می‌گذارند. اگر اقتصاددانی پلورالیسم ارزشی یا نسبیت‌گرایی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

ارزشی را بپذیرد، وی دربارهٔ استانداردهای رفتاری پیشنهادی در الگوی توسعه و پیشرفت، رویکردی نسبیت‌گرایانه خواهد داشت. البته این نسبیت‌گرایی در عمل با پارادوکس مواجه می‌شود و طرفداران آن را مجبور به جانب‌داری از یک رتبه‌بندی خاص از ارزش‌ها و اهداف توسعه خواهد کرد.

۷ـ۱. ارزش‌داوری آرمانی (اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌ها)

ارزش‌داوری آرمانی به مفهوم ارزشمند دانستن وضعیت‌ها و رفتارهاست. از این دو نوع ارزش‌داوری می‌توان به‌ترتیب به ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی و ارزش‌داوری آرمانی رفتاری یاد کرد.

الف) ارزش‌داوری آرمانی وضعیتی: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به‌صورت ضمنی ارزش‌داوری در مورد وضعیت‌های آرمانی شامل اهداف و رتبه‌بندی آن‌ها صورت می‌گیرد. خروجی این ارزش‌داوری در قالب تعریف توسعه و شاخص‌های آن ظاهر می‌شود. وضعیت مطلوب در توسعه و پیشرفت ناظر به اهدافی نهایی یا میانی است که در پی رسیدن به آن هستیم. برای نمونه، آمارتیا سن،[1] هدف غایی در توسعه را رسیدن به آزادی انتخاب آنچه افراد ارزشمند می‌دانند، معرفی می‌کند (سن، ۱۳۸۱، ص۱۷). در تحلیل او، نوعی رتبه‌بندی ضمنی اهداف و ارزش‌ها وجود دارد. وی ارزش آزادی را حتی بالاتر از ارزش رفاه قلمداد می‌کند. در تحلیل سن، توانمند کردن افراد بر بهره‌مندی (مانند باسواد کردن) بر توزیع امکانات (اهدای کتاب) اولویت دارد. در نظریهٔ پیشرفت، هدف نهایی کمال و خوشبختی انسان در سایهٔ قرب الهی است. عدالت، رفاه و آزادی نیز در زمرهٔ اهداف میانی پیشرفت قرار می‌گیرند. تعریف خاص اسلام از این اهداف و ارزش‌ها زمینه‌ساز معرفی شاخص‌های اسلامی همچون شاخص پیشرفت می‌شود.

هنگام تعیین اهداف توسعه، باید مشخص کرد که ارزش‌ها، اهداف و سلایق چه کسانی تعیین‌کننده است. اگر گروهی از جامعه سلایق گران‌قیمتی داشتند، آیا این سلایق باید مبنای برنامه‌ریزی توسعه قرار گیرد؟ اگر مدیریت توسعه به بازار واگذار شود، ثروتمندان به‌واسطهٔ داشتن تقاضای مؤثر بر مسیر تولید کالاها و خدمات اثرگذار خواهند بود؛ در مقابل، افراد فقیر ناتوان توانی برای اثرگذاری بر کالاها و خدمات تولیدی نخواهند داشت.

ب) ارزش‌داوری آرمانی رفتاری: در نظریه‌های توسعه و پیشرفت به‌صورت ضمنی، استاندارد رفتاری مطلوب افراد پیش‌فرض گرفته می‌شود. در رویکرد متعارف اقتصاد توسعه، عقلانیت اقتصادی ابزاری استاندارد آرمانی مطلوب در نظر گرفته می‌شود. فرض عقلانیت اقتصادی با برجسته کردن انگیزه‌های خودخواهانه در انسان، توجه چندانی به انگیزه‌های خیرخواهانه در استاندارد

1. Amartya Sen.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

رفتاری مفروض ندارد. این در حالی اســت که در اقتصاد پیشــرفت، استاندارد رفتاری پیش‌فرض گرفته می‌شود که به همهٔ ظرفیت‌های انگیزشی انسان توجه دارد؛ هم انگیزه‌های خودخواهانه و هم انگیزه‌هــای خیرخواهانه. البته این نکته نیز مورد توجه قرار می‌گیرد که عقلانیت ناقص انســان وی را در معرض انتخاب‌های نادرست قرار می‌دهد؛ مشــکلی که می‌تواند با توجه به محدودیت‌های شــناختی، انگیزشی و ارادی انســان کاهش یابد. آنچه از آن می‌توان با عنوان عقلانیت تکامل‌یافته یاد کرد، اســتاندارد رفتاری مطلوب در اقتصاد اسلامی اســت. علم اقتصاد اسلامی ضمن تحلیل مشکلات افراد در دستیابی به این اســتاندارد رفتاری چگونگی نزدیک کردن افراد به این استاندارد رفتاری و نهادینه کردن اخلاق و معنویت در اقتصاد را بررسی می‌کند.

در رویکردهای هتردوکــس[1] از جمله اقتصاد رفتاری، کارآمدی فــرض عقلانیت اقتصادی با تردید مواجه شده اســت. آنان با تجدید نظر در فرض عقلانیت کامل، امکان وجود افراد غیرعاقل به‌رسمیت شــناخته شده اســت. نتیجهٔ این تغییر در فروض ارزشــی خود را توصیه‌های سیاستی نشان داده اســت. اقتصاددانان رفتاری مداخلهٔ سیاســت‌گذاران برای تأثیر بر انتخاب افراد (نوعی پدرســالاری) را تجویز می‌کنند. البته این رویکرد در جریان غالب دانش اقتصاد پذیرفته نشــده و رویکردی هتردوکس محسوب می‌شود.

۷ـ۲. ارزش‌داوری سیاستی (ساختارها و برنامه‌ها)

ارزش‌داوری سیاســتی به‌معنای توصیهٔ ســاختارها و برنامه‌های مناســب برای دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت یا تقویت شاخص‌های آن است.

ارزش‌داوری سیاســتی ساختاری: یکی از نهفته‌ترین ارزش‌داوری‌های اخلاقی در اقتصاد توسعه، ارزش‌داوری‌های ساختاری است. در اقتصاد توسعهٔ متعارف، ساختارهایی مانند ساختار بازار آزاد، ســاختار بازار رقابتی، یا ساختار نظام بانکی ربوی پیش‌فرض گرفته می‌شوند؛ ولی در نهایت این ساختار توصیه و تجویز می‌شوند. بسیاری از این ساختارها، ساختارهای آرمانی هستند. ساختار بازار رقابت کامل یکی از این موارد است که نقشی کلیدی در تحلیل‌های اقتصاد خرد دارد. در اقتصاد اسلامی نیز ورود به تحلیل علمی بدون مفروض‌گرفتن ساختارها و به‌خصوص ساختارهای ایدئال ممکن نیست. ســاختار مطلوب نهادی مورد اشاره شامل ســاختارهای حقوق مالکیت، مداخلهٔ دولت، مکانیسم تخصیص منابع و شیوهٔ توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت می‌شود. اقتصاددانان مسلمان تمایل دارند که یک ساختار نظام بازاری اخلاقی را پیش‌فرض تحلیل‌های خود بگیرند یا به‌جای

1. Heterodox

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

فرض گرفتن یک ساختار بانکداری ربوی، وجود یک نظام بانکداری بدون ربا را پیش‌فرض بگیرند.

ارزش‌داوری سیاستی برنامه‌ای: ارزش این نوع ارزش داوری در مرحله‌ای پس از ارزش‌داوری ساختاری قرار دارد. در این حالت معمولاً ساختارها و استانداردهای رفتاری مفروض در نظر گرفته شده و سپس تحلیل می‌شود که چه برنامه‌ای می‌تواند به بهبود عملکرد نظام اقتصادی در دستیابی به اهداف توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، سیاست‌های پولی و مالی به‌طور معمول در یک ساختار بازاری و با فرض عقلانیت فعالان اقتصادی معرفی می‌شوند. سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی می‌تواند در چهارچوب نظریهٔ پیشرفت با توجه به ارزش‌های اسلامی ارائه شود.

۸. مراحل ارزش‌داوری در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

برای فهم بهتر چگونگی ورود ارزش‌ها در اقتصاد توسعه و پیشرفت، تحلیل مراحل ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت ضروری است. چرخهٔ ورود ارزش‌ها به اقتصاد توسعه و پیشرفت از کانال فروض ارزشی به‌خصوص فروض اخلاقی حاکی از اهداف، اولویت‌ها و شاخص‌های توسعه و پیشرفت آغاز می‌شود (مرحلهٔ ارزش‌داوری آرمانی). سپس اقتصاددانان به تجزیه و تحلیل عوامل و موانع توسعه و پیشرفت (رابطهٔ بین متغیرهای اقتصادی) می‌پردازند (مرحلهٔ تحلیل ارزشی). در ادامه، آن‌ها با توجه به ارزش‌داوری آرمانی صورت‌گرفته و تبیین‌های علمی ارائه‌شده، ساختارها، استراتژی‌ها و برنامه‌های مطلوب توسعه و پیشرفت را تجویز می‌کنند (مرحلهٔ ارزش‌داوری سیاستی).

شکل ۱. چرخهٔ ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

۸ـ۱. فروض ارزشی

ارزش‌داوری آرمانی به‌طور معمول در قالب فروض ارزشی آشکار یا ضمنی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت صورت می‌گیرد. بر این اساس، چرخهٔ ورود ارزش در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

از فروض ارزشـــی آغاز می‌شـــود. در این مرحله، ارزش‌داوری آرمانی در زمینهٔ اهداف توســـعه، اولویت‌بندی اهداف، شاخص‌های توسعه، استانداردهای رفتاری مطلوب صورت می‌گیرد.

نظریه‌پردازان توسعه و پیشرفت هنگام بررسی گزینه‌های سیاستی نیز از ارزش‌ها متأثر می‌شوند. بـــرای نمونه، طرفـــداران رویکردهای لیبرالی در اقتصاد توســـعه، از بین گزینه‌هـــای ممکن عمدتاً آزادســـازی قیمت‌ها را موضوع بررسی قرار می‌دهند و گزینه‌های سیاستی دیگر را مطرح نمی‌کنند. در مرحلهٔ ارزش‌داوری سیاســـتی، چون سیاست‌های متفاوت بر مبنای تحلیل‌های متفاوت مطرح اســـت، اقتصاددان باید از میان آن سیاست‌ها دســـت به انتخاب بزند. انتخاب سیاست مزبور تنها وابســـته به تحلیل‌های ارزشی اقتصاددان نیست، بلکه به‌شـــکلی ضمنی از ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی او نیز اثر می‌پذیرد. نظریه‌پرداز طرفدار نظریهٔ توســـعه و طرفدار رویکرد اقتصاد بازار آزاد، تمایل دارند که سیاســـت‌های قیمتی را برتر از سایر سیاســـت‌ها بدانند؛ آن‌ها به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه سیاست‌های قیمتی را بر سیاست‌های اصلاح ساختاری و نهادی ترجیح می‌دهند. برای نمونـــه، اقتصاددان طرفدار نظریهٔ بازار آزاد، پرداخت یارانهٔ پولی را بر یارانهٔ کالایی ترجیح می‌دهد. این ترجیح ازیک‌ســـو ریشه در مکتب فکری (ارزش‌داوری معرفتی) او دارد و ازسوی‌دیگر ریشه در اولویت‌بندی او از ارزش‌ها دارد؛ وی آزادی را ارزشـــی می‌داند که حتی بر ارزشـــی مانند رفاه هم می‌تواند مقدّم باشد.

۸ـ۲. تحلیل ارزشی

تحلیل ارزشـــی در نظریهٔ توســـعه و پیشـــرفت در حوزهٔ تحلیل‌های علمی مطرح می‌شود. در این سطح، نظریه‌پرداز قضاوت می‌کند که چه عواملی بر تحقق یا عدم تحقق اهداف توسعه و پیشرفت اثرگذارند. این تحلیل به‌شـــدت تحت‌تأثیر پارادایم‌های حاکم بر نظریه‌پرداز قرار دارد. برای نمونه، نظریه‌پردازی که رویکرد نئوکلاسیکی و نیوکلاسیکی در اقتصاد توسعه را پذیرفته، تمرکز عمدهٔ خود را بر تحلیل اثر متغیرهایی همچون انباشـــت ســـرمایه بر رشد اقتصادی قرار می‌دهد. در تحلیل او، گذشته از اینکه اهدافی همچون ثبات و عدالت وضعیتی حاشیه‌ای دارند، تأثیر متغیرهایی همچون تقویت معنویت بر رشد اقتصادی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

در تحلیل‌های ارزشـــی در اقتصاد توســـعهٔ متعـــارف به‌صورت عمده، فـــروض رفتاری مانند عقلانیت اقتصادی مورد قضاوت ارزشـــی متأخر قرار می‌گیرد. تحلیل ارزشی مزبور به‌طور معمول پـــس از تحلیل‌های اثباتی اقتصاد خـــرد و کلان در چهارچوب اقتصاد رفـــاه صورت می‌گیرد. در اقتصاد خرد، رفتار اقتصـــادی در چهارچوب یک بازار ایدئال رقابتی و با فرض عقلانیت اقتصادی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

افراد تجزیه و تحلیل می‌شـــود. در رویکرد اقتصاد متعارف ادعا می‌شـــود کـــه خروجی این بازار، قیمت و مقدار تعادلی اســـت. در انتها خروجی سیســـتم بر اساس معیار اضافه رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده ارزیابی می‌شـــود. اقتصاددانان استدلال می‌کنند که نظام بازار آزاد رقابتی، هدف اصلی مورد نظر (کارایی در تخصیص منابع به نیازهای بی‌شـــمار) را تأمین می‌کند. در تحلیل سیستم هم عنوان می‌شـــود که اگر مداخله‌ای در بازار صورت گیرد، کارکرد آن مختل می‌شود و اضافه رفاه کل کاهش می‌یابد. این ارزش‌گذاری یا ارزیابی سیستمی بر اساس معیاری ارزشی موسوم به اضافه رفاه صورت می‌گیرد. بر این اساس، رفاه به‌دست‌آمده یا ازدست‌رفته بر اساس فاصلهٔ بین قیمت پرداختی و قیمت مورد تمایل برای پرداخت تعیین می‌شود.

محققان اقتصاد اســـلامی ضمن نقد رویکرد رایج در اقتصاد رفاه نســـبت‌به کارآمدی بازار آزاد در تأمین اهداف مورد نظر نظام اقتصادی اســـلام از جمله عدالت اقتصـــادی ابراز تردید می‌کنند. از نگاه ایشان، اهداف پیشـــرفت اقتصادی مورد نظر اسلام زمانی محقق می‌شود که در کنار دست نامرئی بازار، دست نامرئی اخلاق و دست مرئی دولت عمل کند. بنا به تحلیل برخی از اقتصاددانان مســـلمان، دست نامرئی اخلاق در قالب مکانیسم تسویهٔ اخلاقی به بهبود عملکرد بازار آزاد کمک می‌کند. بر اساس این نگرش، انگیزه‌های مصرفی مسرفانه و ناشی از چشم‌وهم‌چشمی قبل از ورود به بازار به‌واســـطهٔ تمایلات اخلاقی عاملان اقتصادی تسویه می‌شوند. همین امر از فشار تقاضا بر بازار می‌کاهد (Chapra, 1992).

۸ـ۳. توصیهٔ ارزشی

پس از قضاوت ارزشی نوبت به توصیهٔ ارزشی می‌رسد. در این مرحله، اقتصاددان توسعه و پیشرفت به‌ســـمت ارائهٔ توصیه‌های سیاستی ســـاختاری و برنامه‌ای می‌روند. بســـته به اینکه اقتصاددان چه پاسخی به سؤال در مورد کارکرد نظام اقتصادی در فرایند توسعه و پیشرفت بدهد، قضاوت و توصیهٔ ارزشی او متفاوت خواهد بود.

خروجی استدلال در رویکردهای اقتصاد توســـعهٔ متعارف این است که تعادل حاصل از نظام بازار آزاد بهترین خروجی اســـت؛ چراکه اضافه رفاه کل بیشـــینه می‌شـــود. این رویکرد سیاستی با مشاهدهٔ موارد متعدد شکست بازار با تردید مواجه شده و اقتصاددانان مداخلهٔ دولت در برخی موارد همچـــون تولید کالاها و خدمات عمومی، مواجهه با پیامدهای بیرونی منفی و همچنین مداخله در زمینهٔ تأمین اجتماعی را پذیرفته‌اند. این رویکرد زمینهٔ معرفی و پذیرش سیاســـت‌های پولی و مالی برای بهبود عملکرد بازار آزاد را فراهم کرده است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

تحلیل اقتصاددانان مسلمان از ناکارآمدی بازار در تأمین اهداف پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، و لزوم استفاده از ظرفیت اخلاق و دولت، اقتضائات سیاستی خود را دارد. در این رویکرد، سیاست اقتصادی منحصر در سیاست پولی و مالی نیست، بلکه سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی نقشی بسیار مهم دارند. سیاست فرهنگ‌سازی اقتصادی با هدف غلبه بر مشکلات عقلانیت ناقص بشر و تلاش برای جهت‌دهی به ترجیحات و هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. در این راستا، خداوند متعال از پیامبر خود می‌خواهد که از افراد زکات دریافت کند تا بدین‌وسیله آن‌ها را تزکیه و تربیت اخلاقی کند. این بدان معناست که حتی هدف از سیاست مالی در اقتصاد اسلامی نیز صرفاً تأمین مخارج مالی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف انسان‌سازی و تربیت اخلاقی او می‌باشد (توبه، ۱۰۳).

۹. تمایزات ارزشی در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت و کارکرد آن

تمایز در رویکردهای ارزشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر تمایز نظریه‌های توسعه و پیشرفت از جمله تغییر در اولویت‌های پژوهشی و واقع‌نمایی نظریه‌ها باشد و همچنین بر ابعاد محتوایی همچون شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های توسعه و پیشرفت اثرگذار باشد.

۹ـ۱. محورهای تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

همان‌گونه‌که بیان شد، تمایز ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند از ناحیهٔ ارزش‌داوری معرفتی، مبانی ارزشی، تحلیل ارزشی یا ارزش‌داوری اخلاقی رخ دهد. در جدول ۳ برخی از جلوه‌های بروز و ظهور ارزش‌داوری‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت نمایش داده شده است.

جدول ۳. تمایز ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

نوع ارزش‌داوری		تمایز ارزشی در نظریه توسعه	تمایز ارزشی در نظریه پیشرفت
ارزش‌داوری معرفتی	معیارهای نظریه مقبول	تمایل به ارزش‌خنثایی، فرمالیسم، ریاضی‌زدگی، کمیت‌گرایی	پذیرش ارزش‌باری نظریه، پرهیز از کمیت‌گرایی و فرمالیسم
مبانی ارزشی	مفهوم/هستی/رتبه‌بندی ارزش‌ها	مادگرایی، نسبی‌گرایی، پلورالیسم در اهداف توسعه، اولویت‌بخشی ضمنی به آزادی، اولویت کارایی بر عدالت	توجه به ابعاد مادی و معنوی پیشرفت، پیشرفت اقتصادی در خدمت تعالی بشر و تحقق حیات طیبه
تحلیل ارزشی	رابطه ارزش با ارزش یا سایر متغیرها	رویکرد حداقلی در تحلیل نقش ارزش‌ها در توسعه	توجه جدی به عنصر معنویت
ارزش‌داوری اخلاقی	آرمانی وضعیتی:(اهداف، رتبه‌بندی اهداف) آرمانی رفتاری (استاندار رفتاری مطلوب)؛ سیاستی ساختاری: ساختار مطلوب، سیاستی برنامه‌ای: توصیه سیاستی برای حصول اهداف	غلبه مطلوبیت‌گرایی، ارزش بالای آزادی به مثابه هدف نهایی، پذیرش عقلانیت ابزاری، بزرگ‌نمایی کارکرد ساختار بازاری، اولویت راهبردهای بازاری و اصلاح قیمتی نسبت به اصلاح نهادی	توسعه به مثابه تعالی: هدف‌گذاری ثبات، عدالت و رشد، شاخص رشد طیب، عقلانیت رویه تکامل، اخلاق

اول: تمایز در ارزش‌داوری‌های معرفتی

ارزش‌داوری‌های معرفتی رایج در اقتصاد توسعه، زمینه‌ساز گریز نافرجام از ارزش‌باری نظریه‌ها

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

و الگوهای توسعه بوده است. با پذیرش ارزش‌باری نظریه‌های توسعه توسط متفکرانی همچون میردال و اقتصاددانان نهادگرا، زمینه برای توجه به ارزش‌ها در تحقیقات اقتصاد توسعه فراهم شده است؛ هرچند که چنین مطالعاتی محوری نیست. در مقابل، پذیرش ارزش‌باری نظریهٔ پیشرفت، باعث توجه بیشتر به مباحث ارزشی در نظریه‌پردازان شده است.

دوم: تمایز در مبانی ارزشی

مبانی ارزشی یا فروض ارزشی روی نظریه‌های توسعه و پیشرفت اثر می‌گذارد. مبانی ارزشی نسبی‌گرایانه و پلورالیستی رایج در نظریه‌های توسعه باعث پارادوکس‌هایی در نظریه‌های رایج توسعه شده است. در این نظریه‌ها ازیک‌سو ارزش‌های بومی به رسمیت شناخته شده است. در مقابل، بر ارزش‌های نوسازی (ارزش‌های لیبرالیستی) تأکید شده و مصداق عقلانیت محسوب می‌شود. در نظریه‌های پیشرفت اقتصادی، پذیرش واقع‌گرایی ارزشی نه‌تنها باعث گریز از نسبیت‌گرایی ارزشی و پارادوکس‌های ناشی از آن می‌شود، بلکه بر واقع‌نمایی نظریهٔ پیشرفت می‌افزاید.

سوم: تمایز در تحلیل‌های ارزشی

نظریه‌های توسعه و پیشرفت از نظر تحلیل‌های ارزشی در علم توسعه و پیشرفت نیز متمایزند. در نظریه‌های متداول توسعه، متغیرهای ارزشی نقشی حاشیه‌ای در تحلیل عوامل و موانع توسعه بازی می‌کند. در این نظریه‌ها با توجه بیش از حد به عواملی همچون انباشت فیزیکی ثروت مادی، متغیرهایی همچون فرهنگ و مذهب به‌شکلی حاشیه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند.

چهارم: تمایز در ارزش‌داوری‌های اخلاقی

در میان موارد مورد اشاره، نقش ارزش‌داوری‌های اخلاقی در تمایز ارزشی نظریه‌های توسعه و پیشرفت از اهمیت بیشتری برخوردار است. تمایز در ارزش‌داوری‌های اخلاقی در نظریهٔ توسعه و پیشرفت در قالب تغییر در ارزش‌داوری‌های آرمانی وضعیتی و رفتاری ظهور می‌کند. این نوع ارزش‌داوری‌ها باعث تغییر در شاخص‌های پیشرفت نسبت‌به شاخص‌های توسعه و همچنین ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی برای تغییر شاخص‌هاست.

۹ـ۲. کارکرد تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت

تمایزات ارزشی در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند به گونه‌های مختلف بروز و ظهور کند؛ از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

آن جمله می‌توان به تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق تحلیل‌های علمی، تغییر در شاخص‌ها و سیاست‌گذاری (اصلاحات ساختاری و برنامه‌ای) توسعه و پیشرفت اشاره کرد.

اول: تغییر در اولویت‌های پژوهشی در اثر تمایز در ارزش‌داوری معرفتی

ارزش‌داوری معرفتی می‌تواند در تعیین اولویت‌های پژوهشی اقتصاد توسعه و پیشرفت و جهت‌گیری آن اثرگذار باشد. برای نمونه، برای محقق اقتصاد پیشرفت تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون معنویت و اخلاق در اولویت قرار می‌گیرد. همچنین تأکید بر نقش اقتصاد اسلامی در اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی به‌جای اتخاذ رویکرد اثبات‌گرایانه در تبیین واقعیت موجود، باعث توجه بیشتر به تحلیل قانونمندی‌های تحول در اقتصاد پیشرفت می‌شود. در این چهارچوب مطالعاتی همچون تحلیل تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه (صدر، ۱۴۰۰ق، ص۳۳۳) و تحلیل مکانیسم تسویهٔ اخلاقی به‌عنوان کارکرد دست نامرئی اخلاق در تسهیل پیشرفت اقتصادی مطرح شده است (Chapra , 2014: P.46).

دوم: تقویت واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت با اصلاح مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی

تغییر در مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی محققان و افزایش واقع‌نمایی آن می‌تواند به واقع‌نمایی تحلیل‌های علمی اقتصاد توسعه و پیشرفت کمک کند. برای نمونه، تغییر مبانی هستی‌شناختی نظریه‌پرداز اقتصاد پیشرفت و توجه به امور متافیزیکی فرامادی و در نتیجه توجه به ارزش معنویت در مبانی ارزش‌شناختی نظریهٔ پیشرفت اسلامی و تعریف آن با توجه به ارزش‌های فرامادی، باعث می‌شود که تحلیل‌های عمیقی از نقش معنویت در پیشرفت اقتصادی صورت گیرد (اعراف، ۹۶). این تحلیل زمینهٔ سیاست‌گذاری و برنامهٔ پیشرفت معنویت‌محور را فراهم می‌کند. برای نمونه، محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی، تعلیم و تربیت اقتصادی بر اساس عقلانیت متعالی را ابزار خوبی برای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی کسب‌وکار دانسته و الزامی کردن دوره‌های اخلاق کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی را ابزار خوبی برای تحقق ارزش‌های اسلامی در فضای کسب‌وکار و تسریع پیشرفت اقتصادی می‌داند. در ادبیات جدید اقتصاد رفتاری به‌شکلی آشکار زمینهٔ ورود به بحث از جهت‌دهی ترجیحات با توجه به مشکلات عقلانیت اقتصادی بشر و استفاده از تلنگرها مورد توجه قرار گرفته است؛ چیزی که در فضای گفتمان اسلامی در قالب امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود (توکلی، ۱۴۰۰الف).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

سوم: تغییر در شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌ها در نتیجهٔ تغییر در ارزش‌داوری موقعیتی

ارزش‌داوری اخلاقی در قالب تعریف آرمان‌های وضعیتی و رفتاری توسعه و پیشرفت، باعث تمایز در تعریف، اهداف و شاخص‌های توسعه و پیشرفت و همچنین تعیین ساختارها و برنامه‌های مطلوب برای دستیابی به آن می‌شود. برای نمونه، تعریف اسلام از عدالت و پذیرش دو معیار کار و نیاز به‌عنوان دو منشأ استحقاق، پذیرش مسئولیت برای عموم مردم و دولت نسبت‌به فقرزدایی، پذیرش توازن به‌عنوان هدفی اساسی در فرایند پیشرفت اقتصادی، نه‌تنها به تغییر در شاخص‌های پیشرفت عادلانه می‌انجامد، بلکه مستلزم ایجاد ساختار پشتیبان تکافل اجتماعی، حقوق مالکیت و گسترش توازن و کاهش شکاف طبقاتی است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص۳۴۸). این رویکرد می‌تواند حتی شاخص‌های پیشرفت را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. برای نمونه، توجه به هزینه‌های فرهنگی و اخلاقی تولید در کنار هزینه‌های زیست‌محیطی آن، زمینهٔ معرفی شاخص تولید و رشد طیب در اقتصاد پیشرفت را فراهم می‌کند؛ شاخصی که ارزش کالاها و خدمات حلال و طیب را می‌سنجد (توکلی و شفیعی‌نژاد، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۸). توجه به معنویت و اخلاق زمینهٔ معرفی شاخص متمایزی برای توسعهٔ انسانی می‌شود که در آن هدف پیشرفت یک جامعهٔ اسلامی، تربیت افرادی آگاه، سالم، پردرآمد و اخلاق‌گرا در مسیر عبودیت خداوند است (توکلی، ۱۳۹۰). این رویکرد الزامات متفاوتی برای راهبردهای پیشرفت حتی در مواردی همچون معماری بازار اسلامیوآمایش جمعیت دارد.

چهارم: تغییر در برنامه‌ریزی پیشرفت در اثر تغییر در ارزش‌داوری رفتاری

در تحلیل‌های اقتصاد توسعهٔ متعارف، عقلانیت به‌عنوان یک فرض اثباتی معرفی می‌شود؛ عقلانیت یک استاندارد رفتاری است؛ نوعی ارزش و هنجار است که تلقی آن به‌عنوان تنها هنجار مقبول مخدوش است. مشخص نیست «چرا باید عقلانی بودن منحصراً تعقیب نفع شخصی به‌معنای حذف تمام دیگر اهداف تعریف شود؟» (سن، ۱۳۷۷، ص۱۲ـ۱۷). این مشکل در کنار نگاه کمال‌گرایانه به عقلانیت باعث عدم توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و ارادی افراد در انتخاب‌ها در مسیر پیشرفت می‌شود. در اقتصاد پیشرفت، ارائهٔ تعریف متعالی از عقلانیت و توجه به محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی، زمینه‌ساز برجسته‌سازی راهبردهای اخلاقی پیشرفت و طرح برنامه‌هایی برای تهذیب فعالان اقتصادی برای دستیابی به عقلانیت معنوی می‌شود؛ مقوله‌ای که نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی عاملان اقتصادی است (توکلی، ۱۴۰۰).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

نتیجه‌گیری

میردال، از نظریه‌پردازان توسعه، در برهۀ اول زندگی علمی خود تلاش کرد بر لزوم ارزش‌خنثایی نظریه‌های اقتصاد توسعه پافشاری کند. وی در این تلاش ناکام ماند و در برهۀ دوم زندگی علمی‌اش، از این دیدگاه دست برداشت و تنها تصریح به ارزش‌های پذیرفته‌شده در نظریه‌ها را توصیه کرد.

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت را می‌توان با تفکیک بین مبانی ارزشی در برابر ارزش‌ها، تحلیل ارزشی در برابر ارزش‌داوری، ارزش‌داوری معرفتی در برابر ارزش‌داوری اخلاقی (آرمانی و سیاستی) توضیح داد. ارزش‌داوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری معرفتی محققان اقتصاد توسعه و پیشرفت است که انتخاب موضوع، رویکرد و روش تحقیق را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. ارزش‌داوری اخلاقی نیز در قالب تعریف توسعه و پیشرفت، اهداف آن، اولویت‌بندی آن اهداف، شاخص‌های اقتصادی، و همچنین ترسیم رفتارهای آرمانی صورت می‌گیرد. ارزش‌داوری ساختاری ناظر به ساختارهای مطلوب از جمله ساختار حقوق مالکیت و مداخله در اقتصاد است. ارزش‌داوری سیاستی نیز حاکی از توصیۀ برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی در راستای توسعه و پیشرفت است.

ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت با ارزش‌داوری معرفتی آغاز می‌شود. تلقی اقتصاددانان از معرفت مطلوب در تعیین موضوع تحقیق، روش و جهت‌گیری آن مؤثر است. محقق اقتصاد پیشرفت اسلامی به‌واسطۀ اهمیت دادن به بُعد معنوی حیات بشر، به بررسی اموری همچون نقش معنویت و اخلاق در پیشرفت اقتصادی اولویت می‌دهد. این رویکرد باعث توجه به راهبردهای تقویت معنویت در برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی و برجسته شدن برنامه‌هایی همچون تعلیم و تربیت اقتصادی و آموزش اخلاق کسب‌وکار می‌شود. این در حالی است که در رویکردهای نسبیت‌گرایانه رایج در اقتصاد توسعه، در موارد زیادی، نظریه‌پردازی در خدمت تبیین و تثبیت رویه‌های موجود در تغییر ارزش‌ها و سلایق به نفع ارزش‌های مادی‌گرایانه قرار دارد. در این مسیر، نظریه‌پردازان اقتصاد توسعه گاه دچار نوعی پارادوکس می‌شوند؛ آن‌ها ازیک‌سو تنوع فرهنگی در مسیر توسعه را می‌پذیرند و ازسوی‌دیگر بر لزوم نهادینه کردن ارزش‌های نوسازی و مدرنیسم تأکید دارند.

نظریه‌های اقتصاد توسعه و پیشرفت متضمن ارزش‌داوری اخلاقی (آرمانی و سیاستی) نیز هستند. فروض اخلاقی در قالب تعیین اهداف توسعه و پیشرفت اقتصادی، تعریف این اهداف و اولویت‌بندی آن‌ها، طراحی شاخص‌های اقتصادی و همچنین استانداردهای رفتاری عاملان اقتصادی بر نظریه‌های اقتصاد پیشرفت اثر می‌گذارند. در بسیاری از نظریه‌های رایج

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

اقتصاد توسعه، آزادی به‌عنوان ارزشی ذاتی تلقی می‌شود که حتی توسعه و شاخص‌های آن در چهارچوب این ارزش محوری تعریف می‌شود. این در حالی است که در رویکرد اقتصاد پیشرفت، ارزش آزادی و سایر ارزش‌های اقتصادی ارزشی ابزاری است و در خدمت ارزش بالاتر تکامل انسان در سایهٔ قرب ربوبی قرار می‌گیرد. تعیین سه هدف عدالت، امنیت و رشد برای پیشرفت اقتصادی مورد نظر اسلام، تعریف خاص این اهداف و همچنین اولویت‌بندی آن‌ها در مباحث اقتصاد پیشرفت اسلامی، نه‌تنها حاوی ارزش‌داوری اخلاقی است، بلکه منعکس‌کنندهٔ رویکرد پذیرفته‌شدهٔ اقتصاددانان مسلمان به مفهوم ارزش و سلسله‌مراتب آن است. این نوع ارزش‌داوری اخلاقی در قالب شاخص‌های پیشرفت اقتصادی نیز ظهور و بروز می‌کند و برای نمونه زمینهٔ معرفی شاخصی همچون شاخص تولید طیب را فراهم می‌کند که متمایز از شاخص تولید ناخالص داخلی متعارف است. فروض ناظر به استانداردهای مطلوب رفتاری نیز نظریه‌های اقتصاد اسلامی را با ارزش‌داوری اخلاقی ضمنی روبه‌رو می‌کنند. اقتصاددانان مسلمان با مفروض گرفتن عقلانیت تکامل‌یافته با اخلاق و معنویت، فرمول‌بندی متفاوتی در رفتارشناسی اقتصادی در علم اقتصاد پیشرفت اسلامی خواهد داشت.

ارزش‌داوری در اقتصاد توسعه و پیشرفت تنها در قالب ارزش‌داوری آرمانی صورت نمی‌گیرد. پس از قبول ارزش‌های آرمانی، نوبت به ارائهٔ توصیه‌های اصلاح ساختاری و برنامه‌ای در مسیر توسعه و پیشرفت می‌رسد. این توصیه‌های ساختاری شامل مواردی همچون اصول و قواعد حاکم بر حقوق مالکیت، میزان آزادی اقتصادی و مسئولیت‌های دولت اسلامی است. توصیه‌های ساختاری مزبور حاوی نوعی ارزش‌داوری ابزاری است؛ بدین مفهوم که تحقق این اهداف ابزاری برای دستیابی به آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام همچون عدالت، امنیت و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود.

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های توسعه و پیشرفت می‌تواند موجب تغییر در اولویت‌های پژوهشی، تعمیق واقع‌نمایی نظریه‌ها، تغییر شاخص‌ها، ساختارها و برنامه‌های پیشنهادی توسعه و پیشرفت شود. بسیاری از رویکردهای نظری در اقتصاد توسعهٔ متعارف به‌واسطهٔ پذیرش مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی نادرست یا ناقص، نه‌تنها از فهم کامل واقعیت بیرونی عاجز مانده، بلکه زمینه‌ساز مداخلاتی در واقعیت شده‌اند که انسان را از مسیر پیشرفت واقعی منحرف کرده است. در دانش اقتصاد پیشرفت اسلامی، اتخاذ رویکردی متعالی به عقلانیت اقتصادی زمینه‌ساز توجه به اخلاق و معنویت در تعریف انسان عقلایی مطلوب می‌شود. این رویکرد زمینه‌ساز نظریه‌پردازی در زمینهٔ چگونگی ارتقای عقلانیت عاملان اقتصادی در جامعهٔ اسلامی با استفاده از ابزارهایی همچون

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

تعلیم و تربیت اقتصاد اســـلامی می‌شـــود. علم اقتصاد پیشرفت اســـلامی با در نظر گرفتن کارکرد اخلاق و نهادهای اخلاقی در اقتصاد اسلامی، به‌معرفی مکانیسم تسویهٔ اخلاقی در کنار مکانیسم بازار می‌پردازد. این رویکرد زمینهٔ گسترش مباحث اقتصاد نهادی اسلامی و تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اســـلامی در مسیر پیشـــرفت اقتصادی را فراهم می‌کند. تحلیل کارکرد نهادهایی همچون صدقات، و زکات در رفتارسازی اقتصادی از جلوه‌های برجستهٔ مباحث مزبور است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

کتابنامه

۱. آدلمـــن، ایرما. ۱۳۸۲. «مغالطه‌های نظریهٔ توســـعه و پیامدهای آن‌ها برای سیاســـت». تدوین: جرالد مایر و جوزف اســـتیگلیتز. در **پیشگامان اقتصاد توســـعه: آینده در چشم‌انداز**. تهران: نشر نی. ص۱۳۵ـ۱۶۸.

۲. باسو، کائوشیک. ۱۳۸۲. «دربارهٔ اهداف توســـعه». تدوین: جرالد میر و جوزف استیگلیتز. در **پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز**. تهران: نشر نی. ص۸۷ـ۱۱۶.

۳. پایا، علی. ۱۳۸۸. «آیا الگوی توسعهٔ ایرانی ـ اسلامی دست‌یافتنی است؟». **روش‌شناسی علوم انسانی**. ش۶۰. ص۳۱ـ۶۰.

۴. توکلی، محمد جواد. ۱۳۹۰. «روش‌شناســـی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی». **معرفت اقتصادی**. ش۴. ص۳۱ـ۵۶.

۵. ـــــــــ . ۱۳۹۲. «امکان‌پذیری الگوی متمایز اسلامی ـ ایرانی پیشرفت». **مجموعه مقالات نخســـتین همایش ملی الگوی اســـلامی ـ ایرانی پیشرفت**. تهران: ســـازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.

۶. ـــــــــ . ۱۴۰۰الف. «چشم‌اندازهای نظریهٔ عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی». **مطالعات اقتصاد اسلامی**. ش۲۶. ص۱۸۱ـ۲۱۰.

۷. ـــــــــ . ۱۴۰۰ب. «چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی». **معرفت اقتصاد اسلامی**. ش ۲۴. ص ۱۱۱-۱۳۶.

۸. ـــــــــ . ۱۳۹۷. **نه فقط به خاطر پول؛ تبیین هزینه‌های مخفی پاداش و جریمه: از روان‌شناسی تا اقتصاد**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۹. توکلـــی، محمد جواد؛ ایمان رفیعی پیشـــوری. ۱۳۹۹. «نگاهی نظام‌مند بـــه ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی». **اقتصاد اسلامی**. ص۵ـ۲۴.

۱۰. توکلی، محمد جواد؛ عباس شـــفیعی‌نژاد. ۱۳۹۱. «شـــاخص تولیـــد خالص داخلی طیب». **معرفت اقتصاد اسلامی**. ش۶. ص۲۹ـ۵۴.

۱۱. ـــــــــ . ۱۳۹۸. **شاخص تولید طیب**. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۱۲. دایکمـــا، اوگـــن. ۱۳۹۲. «هیچ دیدگاهی بدون دیدگاه قبلی (پیش‌ذهنیت) نیســـت». مترجم: محمود متوسلی. در **توسعهٔ اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی**. تهران: سمت. ص۴۱۷ـ۴۴۲.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

۱۳. زرقـا، محمـد انس. ۱۳۸۲. «روش‌شناسـی اقتصاد اسـلامی». **اقتصاد اسـلامی**. ش۱۰. ص۱۱۳ـ۱۴۲.
۱۴. زریباف، سـید مهدی. ۱۳۸۷. «نقدی بر ماهیت علم اقتصاد با رویکرد ارزشی». **پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**. ش۴۶. ص۳۳ـ۶۱.
۱۵. سـبحانی، حسـن. ۱۳۷۰. «چگونگی و ارتباط و درجه بسـتگی علم اقتصاد با قضاوت‌های ارزشی». مجلهٔ **تحقیقات اقتصادی**. ش۴۴. ص۳۶ـ۶۵.
۱۶. سن، آمارتیا. ۱۳۷۷. **اخلاق و اقتصاد**. مترجم: ح. فشارکی. تهران: شیرازه.
۱۷. ـــــــــــ . ۱۳۷۸. «چرا فرهنگ اهمیت دارد؟». رائو ویجندرا؛ م‌ایکل والتون. در: **فرهنگ و کنش عمومی**. مترجم: علی بختیاری‌زاده. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ عمومی.
۱۸. ـــــــــــ . ۱۳۸۱. **توسعه به‌مثابهٔ آزادی**. تهران: دستان.
۱۹. صدر، سید محمد باقر. ۱۴۰۰ق. **اقتصادنا**. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۰. فوکویامـا، فرانسـیس. ۱۳۸۳. «سـرمایهٔ اجتماعی». تدوین لارنس هریسـون و سـاموئل هانتیگتون. در: **اهمیت فرهنگ**. تهران: امیرکبیر. ص۲۰۵ـ۲۲۳.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۸. **فلسـفهٔ اخلاق**. قم: مؤسسـهٔ آموزشـی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۲. مک‌لاپ، فریتز. ۱۳۸۱. «اقتصاد اثباتی و دستوری». **نامهٔ مفید**. ش۳۱. ص۱۵۱ـ۱۸۴.
۲۳. هانتینگتون، سـاموئل. ۱۳۸۳. «پیشـگفتار: اهمیت فرهنگ‌ها». تدوین: لارنس هریسون و ساموئل هانتیگتون. در **اهمیت فرهنگ**. تهران: امیرکبیر. ص۲۷ـ۳۲.
۲۴. یغمائـی، ابوتـراب. ۱۳۹۴. «نقش ارزش‌هـای غیرمعرفتی در ارزیابـی معرفتی نظریه‌های علمی». **راهبرد فرهنگ**. ش۳۲. ص۳۱ـ۴۸.
۲۵. یوسفی، محمد رضا. ۱۳۷۵. «ارزش‌ها و علم اقتصاد». **نامهٔ مفید**. ش۶.
26. Bicchieri, Cristina. 2005. **Grammar of Society: The Nature and Dynamics of Social Norms**. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Chapra, Mohammad U. 1992. **Islam and the Economic Challenge**. Beltsville: Amana Publications.
28. _____ . 2014. **Morality and Justice in Islamic Economics and Finance**. Edward Elgar.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]

29. Dykema, Eugene R. 1986. "No view without a viewpoint: Gunnar Myrdal". **World Development**, 14(2): P.147163_.
30. Eriksson, Lina. 2015. "Social Norms Theory and Development Economics". **Policy Research Working Paper**. No. 7450. World Bank.
31. Goulet, Denis. 1981. "In Defense of Cultural Rights: Technology, Tradition and Conflicting Models of Rationality". **Human Rights Quarterly**. 3(4): P.1-18.
32. Myrdal, Gunnar. 1965. "United Nations, Agriculture, and the World's Economic Revolution". **Journal of Farm Economics**, 47(4): P.889.899_
33. _____ . 1968. **Asian Drama: An Inquiry into the Poverty of Nations**. New York: Pantheon.
34. _____ . 1970. **The Challenge of World Poverty**. New York: Pantheon.
35. _____ . 1972 "How Scientific are the Social Science". **Journal of Social Issues**, 28(4): P.151.170_
36. North, Douglass. 1993. "The New Institutional Economics and Development". University Library of Munich, P.1.7_
37. Stenmark, Mikael. 2005a. "A Religously Partisan Science? Islamic and Christian Perspectives". Theology and Science, 3(1): P.23.38_
38. _____ . 2005b. "A Counter_Response on A Religiously Partisan Science". Theology and Science, 3(1): P.92.95_
39. Williamson, Oliver. 2000. "The New Institutional Economic: Taking Stock, Looking Ahead". Journal of Economic Literature. XXXVIII. P.595.613_

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1402.9.1.1.6]